

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم "اسیر"

دهم مارچ 2013

گنج و مار!!!

ماری نشسته حلقه زنان در جوار گنج
از هر نفس بسان سپندی در اضطراب
واکرده چشم هوش به هر گوشه و کنار
ننهاده دیده بر سر هم، روزها به خواب
وز هر صدا به گونه سیماب بی قرار
شبها نشسته بر سر آن گنج زنده دار

گنجش بگفت ای همه تن کُلفت و کـریه
ما صاف و پاک، لیک تو یکسر پلید و زشت
ما نوش میدهم و تو خود نیش میزنی
ما حلقه میزنیم به گـردن برای زیب
از تو کنند نفـرت و از ما به احترام
اما توئی به پیش خلق بسی قدر و قیمت است
ما را چه گـرفه نسبت است به تو اندرین دیار
ما دُر و گوهریم، تو مار جفاشعار
مردم به ما فـریفته، از تو به انزجار
لیکن تو از برای بلاهـای بی شمار
انگشتی درست نمایند و گـوشوار
اما توئی به پیش همه، بس زبون و خوار

خندیده گفت مار که ای گنج شایگان
ما را به توست نسبت از حد فزون، بلی
ما خود به همنشینی تو خوش نبوده ایم
ما را از آن به پهلـوی تو راه داده اند
نشیده ای مگر ز کسی حرف گنج و مار
چندان که نسبت گـل زیبا و نیش خار
ما را نشانده بر سر تو، دست روزگار
تا ساده بر تو دست نیابند و مفتخـوار

ما نیش می‌زنیم و ترا نوش می‌دهیم اینست شیوه ای که به ما داده کـــاردار
گردون که در طریقه داد و ستد شود شیر است و شهد همره و گل است و نیش خار
بیهوده نیست این همه تلخ و تروش چرخ در این عمل نهان بُودش، رمزها هـــزار
بی نیش نوش می ندهد گردش زمان
اینست شیوه ای که فلک کرده اختیار

(م. نسیم «اسیر» - کابل عزیز، 25 قوس 1333 ش)